

م.ابوب ساعی فاریابی
کلگری - کانادا

پیامد های هفتم ثور و هشتم ثور به کابل و کابلان

کابل زیبا خراب و ایترو ویرانه شد

موج خون سرمی زند از کوچه و بازار کابل می چکد الوان خون از شاخچه گلزار کابل
(بابرش) اکنون ببیند مرزعه کوهسار کابل بم و توپ و دود و آتش عطر مشکبار کابل
جای گل خون سر زند از کوچه و بازار کابل

(دیشب بیاد کابل زیبا گریستم چون شمع عاشقانه سرا پا گریستم)
به قتل عروس دست پر حنا گریستم به قتل طفل شیر خوار و پیر و برنا گریستم
گریستم ناله کردم بر حال خونبار کابل

جایرو شیاد ها رحمی بر وطنداران نکرد هر چه بود بر باد عطفی بر مظلومان نکرد
آنچه ظالم کرد اما حاکم روسان نکرد شیوهء افغانیت پیرو قرآن نکرد
پشته ها از کشته ها کرد د کوچه و بازار کابل

کابل زیبا خراب و ایترو ویرانه شد مردم معصوم کابل کشته شد بیخانه شد
مردم کابل فرار و هجرت بیگانه شد ظلم و وحشت دور از اندازه پیمانیه شد
فتنه ها آشفته شد بر وضع رقتبار کابل

اعتبار صد امید ها داشتیم زان دوستان وعده ها داشتند بر ما از پیرو قرآن ایمان
صلح و صفا بود نه خونپاره ء بیگانه گان چون شیاطین رنگ داشتند دشمن افغان ستان
خاطر عز و جلال کردند تار و مار کابل

جامه ء مکر و خیانت زینت جان میکنند بر خوشی بیگانه گان میهن ویران میکنند
خود کش بیگانه پرور قتل افغان میکنند افتخار صد امید ها از دیگران میکنند
میکنند صد فتنه ها تا شوند سردار کابل

تا نفس باقی است «ساعی» رزم با دشمن بکن حق مظلوم بر جا و خدمت میهن بکن
ای ملت مظلوم بر خیز همت رستم بکن آن خراب های ملک را از سرش گلشن بکن
دور باید کرد میکروب از آبشار کابل

نیویارک ۱۹۹۴